



تاریخ و هویت ملی

برای تمام ملت‌های جهان، **هویت ملی** از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، هویت ملی برای یک ملت، به منزله روح برای بدن است که فقدان آن به منزله مرگ خواهد بود. هویت ملی، هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در یک ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میان ملل دیگر است. در واقع، قوام و دوام زندگی توأم با عزت و آزادی یک ملت، به هویت ملی آن در معنای عام و گسترده بستگی دارد.

باید توجه داشت که هویت ملی مسأله‌ای انفرادی، شخصیتی و روانی نیست، بلکه پدیده‌ای جمعی است که به بنیادهای فرهنگی، تاریخی و اعتقادی یک ملت مربوط می‌شود؛ لذا تفسیرهایی که امروزه از **هویت** و یا **بحران هویت** می‌شود و منظور از آن تعارضات ناشی از مدرنیته و شکاف میان نسل جدید و قدیم و یا به طور کلی مشکلات نسل جوان است، بدرستی با بحث هویت ملی قابل انطباق نیست؛ بلکه بیش‌تر مقوله‌ای روان‌شناسانه یا جامعه‌شناسانه است. متأسفانه عده‌ای یا از سر بی‌اطلاعی و یا برای گرمی بخشیدن به بازار شغلی و علمی خود، مدام از بحران هویت سخن می‌گویند. در حالی که منظور آن‌ها بحران شخصیتی گروهی خاص، مثلاً جوانان است؛ که آن هم همه قشر جوان را در بر نمی‌گیرد. این امر موجب می‌شود، القای شبهه بسیار پر خسارتی صورت گیرد که گویی هویت ملی با معضلی غیر قابل حل روبه‌رو شده است. در حالی که شکل‌گیری هویت ملی فرایند ساده‌ای نیست و زوال آن هم به آسانی صورت نمی‌گیرد. هویت ملی ریشه در اعماق تاریخ و فرهنگ یک ملت دارد و با سرشت تک‌تک افراد یک جامعه در آمیخته است. آنچنان‌که اگر جان برود، آن نمی‌رود. این کیفیت خاص یک ملت نیست؛ بلکه همه ملت‌های بزرگ و صاحب تمدن چنین هستند. حتی در مواردی هم که ملتی سرزمین خود را از دست داده و آواره شده است، همچنان هویت جمعی و ملی خود را حفظ کرده و بعدها بر مدار و محور آن خود را باز یافته است؛ مثل فلسطینی‌ها، افغان‌ها و...

چنان که گفتیم، تکوین هویت ملی، فرایندی طولانی و پیچیده دارد. عوامل جغرافیایی، قومی، زبانی، اعتقادی، معیشتی، سرگذشت تاریخی، اعیاد و رسوم... همه و همه طی اعصار و قرون دست به دست هم می‌دهند و هویت یک ملت را می‌سازند. سپس در قالب تعلیم و تربیت و به طور کلی فرهنگ در معنای عام و گسترده آن، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند، مثل شیر که از مادر به فرزند داده می‌شود. از این رو است که کسانی ایرانی، کسانی آلمانی، کسانی فرانسوی، چینی، هندی، انگلیسی، عرب... دانسته می‌شوند. هرچند که همه آن‌ها در مفهوم انسانیت یکسان هستند، اما به اتکای هویت خویش از دیگران باز شناخته می‌شوند. این عامل شناسایی و تشخیص و تشخیص معطوف به سجایای ملی آن‌هاست که همان **هویت ملی** است.

در شکل‌گیری هویت ملی، عوامل گوناگونی به صورت هماهنگ و ممزوج در یکدیگر مؤثرند، حتی رنگ‌ها، نمادها و به طور کلی هنر و معماری نیز سهم بسیار مهمی دارند. ثبات سیاسی و امنیت ملی کشورها نیز با مقولهٔ هویت ملی پیوند دارد. به همین نحو برای ما ایرانیان نیز هویت ملی اهمیت خاصی دارد و باید نسبت به تقویت و تحکیم آن، تلاشی مضاعف داشته باشیم. در همه حال این امر ضروری است، بخصوص در مواقعی که جهان پیرامونی ما با مشکلات و بحران‌هایی مواجه می‌شود و دامنهٔ این بحران‌ها به ما نیز می‌رسد؛ از جمله وقتی که معضلات اقتصادی و اجتماعی چهره می‌نماید، تلاش برای حفظ هویت ملی و صیانت از آن به عنوان سرمایه‌ای که بقای یک ملت را تضمین می‌کند، باید بیش‌تر باشد. هنر ایرانی، زبان فارسی، عرفان و اعتقادات اسلامی، آداب و رسوم و اعیاد همه و همه اجزای اساسی هویت ملی ما ایرانیان است که طی قرون و اعصار شکل گرفته و به ما رسیده و به صورت مشاهیر و مفاخر، اخلاق و ادبیات، معنویت و وحدت، همدلی و همزبانی و... تجلی یافته است. این سرمایهٔ پرارزش و میراث گران‌سنگ متعلق و مربوط به همه است و همگان نیز باید در صیانت از آن کوشا باشند. تاریخ نیز به طور خاص نقش حساسی در هویت ملی یک ملت دارد. ریشه‌های هویت یک ملت در تاریخ آن است و هویت ملی به مانند ساقه‌ای است که همهٔ اجزای فرهنگی یک ملت بر اساس آن وحدت می‌یابند. تاریخ نشان می‌دهد که چگونه سرگذشتی مشترک برای همه ما وجود داشته و چرا سرنوشتی واحد برای همه ما در پیش است. اشتراک در منش و سرشت به ما متذکر می‌شود که تنوع صوری و تعدد و مظاهر زندگی این مردم بر بنیاد یک وحدت قرار دارد و درک و فهم آن نیز منوط به شناخت آن مبانی مشترک و مبادی واحد است. در این راستا، درس و علم تاریخ برای ما سرمایه‌ای گرانبهاست. هر ورق از تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین و هر خشت از آثار باستانی و تاریخی آن و هر بیت از اشعار شعرای نامدار آن و هر کدام از عرفای پرآوازه‌اش برای ما به منزله گنج‌های پرارزشی است که به آسانی به دست نیامده‌اند و به سادگی نیز نمی‌توان آن را از دست داد. اصلاً نمی‌توان و نباید آن را از دست داد.

عشق به میهن و زاد و بوم با شیرۀ جان هر مردم آمیخته است و بخصوص ایرانیان به میهن، ملت، دین و آیین خویش بسیار علاقه دارند. پیوند مبتنی بر مهر و اشتیاق همواره نزد آنان به مانند آتشی فروزان در دل‌هایشان بوده است. از این جاست که وقتی صلاهی عام داده می‌شود که: «به یاری هموعان خود در داخل و حتی خارج بشتابید!» شاهد حضور میلیون‌ها نفر می‌شویم. آن‌جا که دین، خاک، فرهنگ، انسانیت در خطر قرار می‌گیرد، همگان آستین همت بالا می‌زنند و کمر خدمت می‌بندند. در بسیاری از کشورها برای رسیدن به چنین شرایطی، میلیاردها هزینه و وقت بسیاری صرف می‌کنند. حتی برای حفظ نظام جامعه متحمل صرف نیرو و مخارج بسیاری می‌شوند؛ در حالی که ریشه‌های عمیق هویت ملی این ملت، به نحو احسن همهٔ آنان را در زندگی اجتماعی، هم در سلامت روحی و هم در آمادگی دائمی نگاه داشته است.

تاریخ چند هزار سالهٔ این سرزمین و افتخارات علمی، ادبی، هنری، دینی و تمدنی این سرزمین، عامل بسیار تعیین‌کننده و مهمی در شکل‌گیری هویت ملی ماست. باید نسبت به غنای علمی و پیشرفت تحقیقی آن کوشید. در همین حال، درس تاریخ را از دبستان تا دانشگاه سنگری استوار در نظر گرفت که در پناه آن از تندباد حوادث طی قرون و اعصار مصون مانده‌ایم. لذا هم معلم تاریخ باید به اهمیت و راهی که بر عهده دارد، بیش‌تر واقف باشد و هم مسؤولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و سیاسی کشور توجه خاصی به این امر مبذول دارند. تاریخ ایران به ما نشان می‌دهد که چگونه در تندباد حوادث این ملت، فرهنگ و سرزمین دوام آورده است و «باور به توانایی‌های خویش و تمسک به بنیادهای فرهنگی و دینی خویش» تا چه اندازه نقش داشته است. همین‌طور چگونه ذکر تاریخ پرافتخار گذشتگان و از خود گذشتگی فرزندان این آب و خاک در آمادگی و سازندگی و مصون‌سازی در برابر خطرات مؤثر بوده است.

در عصر جهانی شدن و ارتباطات و در شرایطی که تحولات جهانی و منطقه‌ای در عرصه‌های سیاست و اقتصاد و فرهنگ پرشتاب است، تأکید بر هویت ملی و توجه خاص به تاریخ در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد و معلمان تاریخ که با کودکان و جوانان سروکار دارند، وظیفه‌ای بسیار سنگین به عهده دارند.